

بیان ما تشریح زیارتہ وما لا تشریح زیارتہ

من مساجد المدینة النبویة

بیان آنچه از مساجد مدینه زیارت

آن جایز و غیر جایز است

تهیه

لجنة دائمی افتاء و بحثهای علمی

و بدنبال آن فصلی در احکام زیارت و آداب مدینه

نبوی خواهد آمد

تألیف: علامه عبدالعزیز بن باز رحمته الله

ترجمه: إسحاق بن عبدالله دبیری العوضی

۱۳۸۴ / ۱۴۲۶ هـ

فهرست مطالب

ص	عنوان
۸	مقدمه
۱۳	تقدیر و تشکر
۱۵	تعریف نماز
۱۷	مشروعیت و فضیلت نماز
۵۹	فضیلت سنت سواک
۶۰	فضیلت صف اول
۶۱	احکام سجده سهو
۸۱	۴ - نماز خورشیدگرفتگی یا ماه گرفتگی
۸۲	۵ - نماز طلب باران
۸۳	۶ - نماز میت
۱۱۶	طهارت مریض دارای چند حالت می باشد
۱۲۰	چگونگی نماز مریض
۱۲۶	منابع

بیان آنچه از مساجد مدینه زیارت آن جایز و غیر جایز است

۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتوای شماره (۱۹۷۲۹) صادره در مورخه ۱۴۱۸/۶/۲۷ هـ.ق.
الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده.
وبعد:

لجنة دائمی افتا و بحثهای علمی سؤالی دریافت کرد که
مستفتی بنام م. ا. ع پاسخ آنرا از مفتی کل [عربستان]
خواسته بود، فتوای یاد شده به شماره ۱۸۳۷ مورخه
۱۴۱۸/۳/۳۰ بود و اینک عین سؤال، که جواب آنرا از
حضرتعالی خواهانم.

۱- حکم شریعت اسلامی در مورد کسیکه به مدینه‌ی
منوره می‌آید تا در مسجد شریف نبوی به اقامه‌ی نماز
بپردازد. بعد به مسجد قبا، و مسجد قبلتین، و مسجد
جمعه، و مساجد المصلی (مسجد الغمامه، و مسجد
الصدیق، و مسجد علی رضی الله عنه) و غیر اینها از مساجد اثری
(مساجدی که بعنوان آثار صدر اسلام برجای مانده‌اند)
می‌رود و در آنها دو رکعت نماز تحیه المسجد می‌خواند.
آیا این کار برای او جایز است؟

۲- فرد زائر بعد از زیارت مسجد نبوی فرصت را غنیمت می‌شمارد تا به بقیه‌ی مساجد اثری برود به نیت اینکه از تاریخ سلف صالح اطلاع حاصل کند و در آن تأمل بورزد و عملاً به تطبیق آنچه در کتب و نوشته‌جات دیده پردازد و از اماکن تاریخی محل غزوات و مساکن قبایل و ... از [اماکن] انصار اطلاع حاصل کند. لطفاً بفرمایید حکم این اعمال چگونه است؟
لجنة افتا بعد از تحقیق پیرامون این مطلب، چنین جواب داد.

جواب این دو سؤال، مقتضی بیان و تفصیل آتی است.

۱- مساجد موجود در مدینه منوره - خداوند آن را حفظ و محروس بدارد - بر چند نوع هستند.

نوع اول: مسجدهای که فضل بخصوصی برای آنها ذکر شده است این نوع، دو مسجد بیش نیستند.

۱- مسجدالنبی: که به طریق اولی حکم این آیه که خداوند می‌فرماید: ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ سُبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ (التوبه: ۱۰۸). بر این مسجد انطباق دارد.

بی گمان مسجدی که (از ابتدا) بر پرهیزگاری بنا نهاده شده شایسته‌تر است که تو در آن اقامت گزینی، در آن مردانی وجود دارند که دوست دارند خود را پاک و پاکیزه گردانند و خداوند خود پاکیزه نگهدارندگان را دوست دارد.

مسجد النبی دومین مسجدی است که اجازه تهیهی اسباب سفر جهت زیارت آن داده شده است، چنانکه این مطلب در سنت به ثبوت رسیده، همچنان در سنت صحیح و صریح آمده که ثواب یک نماز در مسجد النبی معادل هزار نماز در سایر مساجد - بجز مسجد الحرام - است. دوّمی مسجد قباء است در مدح آن در قرآن آمده: ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ﴾. مسجدی که از اساس بر پرهیزگاری بنا نهاده شده است.

در حدیث اسید بن ظهیر انصاری رضی الله عنه به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است «صلاة في مسجد قباء كعمرة» ثواب یک نماز در مسجد قبا مثل ثواب یک عمره است» روایت از ترمذی و ابن ماجه و غیرهما.

از سهل بن حنیف رضی الله عنه به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است که فرمود: «**مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءٍ فَصَلَّى فِيهِ صَلَاةً كَانَ لَهُ أَجْرُ عُمْرَةٍ**» روایت از احمد و نسائی و ابن ماجه و غیر آنها و لفظ این روایت از ابن ماجه است.

هر کس در خانه‌ی خویش وضو بگیرد بعد به مسجد قبا بیاید و نمازی در آن بخواند همچون این است که یک عمره انجام داده باشد.

نوع دوّم: سایر مساجد مسلمانان واقع در مدینه، این مساجد همچون بقیه مساجدانند و از فضل خاصی برخوردار نیستند.

نوع سوم: مسجدی بنا شده در جهتی یا مکانی که ثابت شده رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن جهت و مکان نماز خوانده است. یا اینکه مسجد در عین مکان نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله واقع است، مانند مسجد بنی سالم یا مکانی که رسول الله صلی الله علیه و آله در آنجا نماز عید می‌خواند، این نوع مساجد فضل خاصی ندارند و ترغیب و تشویقی جهت قصد آنها و ادای دو رکعت در آنها نیامده است.

نوع چهارم: مساجد بدعتی مستحدثه، و نسبت داده شده به عصر رسول الله ﷺ و عصر خلفای راشدین، که امروزه به مزار تبدیل شده و قداست خاصی یافته‌اند، مانند مساجد هفتگانه، و مسجدی در کوه أُحُد و غیر اینها، این مساجد اصلی در شریعت مطهر اسلامی ندارند و قصد آنها به منظور عبادت و زیارت و ... درست نیست، بلکه بدعت است چرا که اصل شرعی بر این است که جز خدا را پرستش نکنیم، و عبادت خدا را جز به روشی که خود دستور فرموده و مقرر نموده انجام ندهیم، آنها طبق آنچه بر زبان رسول خدا ﷺ آمده است برای این مطلب هم مراجعه به قرآن و سنت و کلام سلف صالح امت، لازم است آنهایی که این دین را از رسول خدا ﷺ دریافت کرده و به ما ابلاغ نموده و ما را از بدعت برحذر داشته‌اند و امر پیغمبر مژده دهنده و بیم دهنده را به جای آورده که می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ»^۱ در روایت دیگری آمده «مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ

^۱ - هر کس عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد آن عمل مردود است.

فَهُوَ رَدٌّ^۱ و فرموده «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي، وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ مِنْ بَعْدِي، عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِرِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ، فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ، وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»^۲ و فرموده: «اقتدوا بالَّذِينَ مِنْ بَعْدِي: أَبِي بَكْرٍ، وَعُمَرَ»^۳ رسول خدا در جواب خواسته کسانی که از وی خواستند درختی برایشان قرار دهد تا بدان تبرک بجویند و اسلحه‌های خود را بر آن آویزان کنند فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ، إِنَّهَا السُّنَنُ، قُلْتُمْ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ كَمَا قَالَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ لِمُوسَى ﴿أَجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ﴾»^۴ [اعراف: ۱۳۸] و فرمود: «افترقت اليهود على إحدى وسبعين فرقةً، وافتترقت النصارى على ثنتين

^۱ - هر کس در امر ما این (دین) چیزی اضافه کند که جزو آن نیست آن چیز مردود است.

^۲ - بر شما است از سنت من و سنت خلفای راشدین پس از من پیروی کنید آن را با دندان بگیرید و شما را از امور محدثه و بدعت برحذر می‌دارم چرا که هر محدثی بدعت و هر بدعتی گمراهی است.

^۳ - به دو نفر بعد از من ابوبکر و عمر اقتدا کنید و آنها را الگو قرار دهید.

^۴ - این همان سنت گذشتگان است قسم به آنکس که جانم در دست اوست چیزی را گفتید که قوم بنی اسرائیل به موسی گفتند «خدایانی برای ما قرار بده چنانکه برای آنها خدایانی است».

بیان آنچه از مساجد مدینه زیارت آن جایز و غیر جایز است

۱۰

وَسَبْعِينَ فِرْقَةً وَسَتَفْتَرِقُ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً، قِيلَ: مَنْ هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «مَنْ كَانَ عَلَى مِثْلِ مَا أَنَا عَلَيْهِ الْيَوْمَ وَأَصْحَابِي»^۱.

ابن وضاح در کتاب «البدع والنهی عنها» ص ۹ به نقل از ابن مسعود رضی الله عنه گوید: عمرو بن عتبه و تنی چند از یارانش مسجدی در پشت کوفه بنا نهادند. عبدالله دستور داد این مسجد ویران شود. بعد خبر یافت که آنها در قسمتی از مسجد کوفه جمع می‌شوند و تسبیحات مخصوصی انجام می‌دهند، تهلیل و تکبیر می‌گویند. برنس (عبا یا جامعه کلاه دار) را پوشید و به میان جمع آنان رفت وقتی فهمید چه می‌گویند برنس را از سر خود برداشت و گفت من ابو عبدالرحمن هستم آیا شما در علم از یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله پیشی گرفته‌اید، یا ظالمانه بدعتی آفریده‌اید؟ آری نامبرده و غیر او مردم را از بدعت آفرینی

^۱ - یهودیان به ۷۱ فرقه متفرق شدند، مسیحیها نیز به ۷۲ گروه تقسیم گشتند این امت نیز به ۷۳ فرقه تقسیم خواهند گشت همگی در آتش جهنم هستند جز یک فرقه، عرض شد ای رسول خدا این فرقه کدام است؟ فرمود: گروهی که من و یارانم امروز بر آن هستیم.

برحذر داشته و آنها را به پیروی از روش سلف دعوت کرده‌اند.

مشهور است که عمر رضی الله عنه درختی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زیر آن از یارانش در «بیعت الرضوان» بیعت گرفته بود قطع کرد. و وقتی دید که برخی از اصحاب به زیر آن می‌روند. پرسید این مردم به کجا می‌روند؟ عرض شد، می‌روند در مکانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در راه رفتن به حج در آنجا نماز خوانده نماز می‌خوانند. خشمگین شد و گفت: اقوام قبل از شما تنها بدین علت گرفتار هلاکت شدند که بدنبال آثار پیغمبرانشان می‌گشتند.

معلوم است که هدف از بنای مساجد جمع نمودن مردم در آنها بقصد عبادت است و این نوع اجتماعی در شریعت مطلوب و پسندیده است، اما وجود مساجد سبعه در یک مکان این مقصد را تحقق نمی‌بخشد بلکه وسیله‌ی افتراق - که با مقاصد شریعت منافات دارد - است همچون مساجدی بقصد ایجاد اجتماع میان مسلمانان بوجود نیامده‌اند، چون خیلی به همدیگر نزدیکند. تنها به قصد

تبرک جستن از آنها بوسیله‌ی نماز و دعا در آنها، تأسیس گردیده‌اند و این امر بدعتی آشکار است.

و اما نامگذاری این مساجد بنام «مساجد سبعة» هیچ سند تاریخی ندارد بلکه ابن زبالة اولین کسی بوده که نام مسجد الفتح را بر زبان آورده است او هم نزد رجال حدیث به کذاب مشهور است که در آخر صدهی دوم فوت کرده. بعد از او ابن شبه تاریخ نویس، این نام را ذکر کرده است، و معلوم است که تاریخ نویسان اهتمام چندانی به سند و صحت حوادثی که ذکر می‌کنند نمی‌دهند، تنها آنچه را که شنیده‌اند و به آنان رسیده نقل می‌کنند، و آن را به کسی نسبت می‌دهند که از او شنیده‌اند. چنانچه ابن جریر در تاریخش چنین می‌گوید. خلاصه هیچ سند شرعی برای نامگذاری این مساجد، یا یکی از آنها - به این اسامی - وجود ندارد.

اصحاب بزرگوار توجه خاصی به نقل اقوال و افعال پیغمبر ﷺ نشان می‌دادند، و هر عملی را که از رسول خدا ﷺ می‌دیدند، - حتی چگونگی رفتن به دستشویی - نقل می‌کردند، گفته‌اند رسول خدا هر هفته یکبار به

مسجد قبا می‌آمد و در آنجا نماز می‌خواند، و قبل از وفاتش بر شهدای اُحُد اقامه‌ی نماز کرد، گویی با ایشان خداحافظی کرد، و موارد بسیاری دیگر، که لابلای کتب را پر کرده است اما در مورد اصل نامگذاری این مساجد حافظان و تاریخ‌نویسان بحث کرده و سخن گفته‌اند علامه‌ی سمهودی گوید: پیرامون هیچ یک از این نامگذاریها به اصلی دست نیافته‌ام. و بعد از سخن از موضوع دیگر می‌گوید: من برای این نامگذاری بر اصلی توقف پیدا نکرده‌ام، مطری نیز راجع به دو مسجد سابق الذکر سخنی ندارد. شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله گوید: در اینجا مقصود این است: که صحابه و تابعین بالاحسان ایشان بر آثار پیغمبران مانند مکان نشستن و نماز خواندن و انجام کار و ... آنها مسجدی بنا نکرده‌اند، حتی قصد انجام چنین کاری را هم نداشته‌اند.

حتی پیشوایان و بزرگان اصحاب چون عمر بن خطاب رضی الله عنه از قصد مکانی جهت اقامه‌ی نماز در آن نهی می‌کردند. گویند: عمر و سایر اصحاب چون خلفای راشدین، عشره‌ی مبشره و غیر آنان، چون ابن مسعود و

معاذ بن جبل و ابی بن کعب و ... قصد همچون اماکنی را - جهت اقامه‌ی نماز در آن - نمی‌کردند، شیخ الاسلام در ادامه‌ی بحث خود می‌گوید: مساجد فراوانی در مدینه وجود دارد که در قصد کردن آنها به منظور ادای نماز و کسب ثواب فضلی غیر از مسجد قباء وجود ندارد، و اما مسجدهای که روی قبور ساخته شده‌اند همگی جزو بدعت‌های مستحدثه‌اند، و جزو افعال کسانی هستند که روح شریعت اسلام، و کمال توحید موجود در بعثت محمد صلی الله علیه و آله، و اخلاص دین برای خدا، و سرّ دوری گزیدن ابواب شرک را - که شیطان بر روی انسان‌ها باز می‌کند - درک نکرده‌اند.

شاطبی رحمته الله در کتابش الاعتصام نقل کرده که، عمر چون دید گروهی از مردم به مسجدی در جای که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا نماز خوانده بود، می‌روند: گفت: «اقوام قبل از شما بدین علت گرفتار هلاکت شدند که بدنبال آثار پیغمبرانشان می‌گشتند و در آنجا کنیسه و معابد می‌ساختند» همچنین شاطبی گوید: ابن وضاح گفته است: امام مالک هر بدعتی را مذموم و بد می‌دانست، هر چند

خیر و زیبا می‌نمایاند، تا آنچه که جزو سنت نیست، سنت تلقی نشود، و غیر معروف مشروع تلقی نگردد ... شاطبی در جای دیگر گوید: از ابن کنانه در مورد آثار برجای مانده از صدر اسلام در مدینه سؤال شد گفت: ثابتترین آنها نزد ما مسجد قباء است... همچنین ثابت شده که عمر رضی الله عنه درختی را - که رسول خدا صلی الله علیه و آله زیر آن از مردم بیعت گرفته بود - و مردم به قصد تبرک و زیارت به زیر آن می‌رفتند و در آنجا نماز می‌خواندند قطع کرد تا باعث ایجاد فتنه نشود. عمر بن شبه در [اخبار المدینه] و العینی در [شرح البخاری] مساجد فراوانی ذکر کرده‌اند و نامی از مساجد سبعة [به این نام] نبرده‌اند.

این توضیح مختصر کافی است تا ثابت کند که سندی از سلف راجع به مساجد سبعة در دست نیست، حتی آنچه که بنام مسجد فتح وجود دارد و ابوالهیجاء وزیر عبیدیها - که مذهبشان معروف است - بسیار بدان توجه کرده، در نزد سلف اسمی از آن نیامده است. از آنجا که امروزه افراد زیادی بقصد زیارت به این مساجد روی می‌آورند و در آنها نماز می‌خوانند و به آنها تبرک

می‌جویند و بسیاری بواسطه‌ی آنها در دام گمراهی گرفتار شده‌اند، اعلام می‌داریم که قصد کردن این مساجد برای نماز در آن بدعت، و ابقاء آنها با مقاصد شریعت و اوامر پیغمبر مبعوث به اخلاص در عبادت، در تضاد است، و سنت به ازاله‌ی آنها حکم می‌کند. چرا که رسول خدا ﷺ فرموده: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ». هر کس عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، عملش مردود است.

بنابراین ازاله‌ی این مساجد جهت دفع فتنه و سدّ ذریعه‌ی شرک و حفاظت از عقیده‌ی پاک و خالص توحیدی مسلمانان، و حمایت از جناب توحید، واجب است. و از باب اقتدا به خلیفه راشد امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه که درخت الحدیبه را قطع کرد، چون دید مردم به قصد زیارت و تبرک به زیر آن می‌روند تا از وقوع آنان در فتنه جلوگیری کند. و بیان کرد که امتهای پیشین به سبب تقدس قایل شدن برای آثار برجای مانده از انبیا (که بدان مأمور نشده‌اند) گرفتار هلاکت شدند. زیرا این عمل

تشریح است و خداوند اجازه‌ی آنرا برای هیچ احدی صادر نفرموده است پایان کلام شاطبی در الاعتصام.
ثانیاً: از آنچه گذشت معلوم می‌شود که روی آوردن مردم به مساجد سبعه و غیر آنها از مساجد مستحدثه، خواه به قصد آشنایی با آثار، یا تعبد و مسح کردن دیوارهای آن و تبرک به آنها، بدعت است و نوعی از اعمال شرک مشابه عمل کفار در جاهلیت اولی می‌باشد که در مقابل بتها انجام می‌دادند. لذا بر هر مسلمانی که خواهان تهذیب و پاکسازی نفس خویش باشد، واجب است این عمل را ترک کند، و مسلمانان را به ترک آن نصیحت نماید.

ثالثاً: از توضیحات فوق روشن می‌گردد که آنچه بعضی از افراد ضعیف النفس در راستای تشویق زائران به زیارت این مساجد انجام می‌دهند و از آنها مبالغه‌نگفتی بعنوان کرایه، در مقابل راهنمایی و هدایت آنان بسوی این اماکن بدعت‌زا دریافت می‌کنند، عملی است حرام، و مالی که در مقابل این راهنمایی دریافت می‌شود تزوقی است حرام، و مَرَكَشْ بِرِ فاعِلْ آن واجب است ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ﴾

سَجَّلَ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢٣﴾ وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ﴿٢٤﴾ (الطلاق: ۲-۳).

هرکس از خدا بترسد خداوند مخرجی برایش قرار می‌دهد و او را از راهی روزی می‌رساند که اصلاً گمان آن را نمی‌برد و حسابی برای آن نمی‌کرد.

والله الموفق

وصلی الله علی نبینا محمد وآله صحبه وسلم

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء

رئیس	نایب رئیس	عضو
عبدالعزیز بن	عبدالعزیز بن عبد الله	عبد الله بن عبد الرحمن
عبد الله بن بار	بن محمد آل الشیخ	الغدیان
عضو		عضو
صالح بن فوزان الفوزان		بکر بن عبد الله
		ابوزید

فصلی: درباره‌ی زیارت و احکام و آداب آن

زیارت مسجد پیغمبر - قبل از مراسم حج یا بعد از آن - سنت است چون در صحیحین (بخاری و مسلم) آمده که ابوهریره رضی الله عنه گوید، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: **«صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»** متفق علیه.

یک نماز در مسجد من ثوابش برابر هزار نماز در سایر مساجد جز مسجد الحرام است.

از ابن عمر رضی الله عنهما منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **«صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»** لزواه مسلم و از عبدالله بن زبیر رضی الله عنه گوید: رسول خدا فرمود: **«صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ، وَصَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ صَلَاةٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا»** اخرجه احمد وابن خزیمه وابن حبان از جابر رضی الله عنه.

یک نماز در مسجد من این، بهتر است از هزار نماز در سایر مساجد جز مسجد الحرام، و یک نماز در آن برابر صد نماز در مسجد من است.

و در روایت جابر با اختلاف اندکی با روایت قبل آمده است «صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةٍ فِيْمَا سِوَاهُ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَصَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةِ أَلْفٍ فِيْمَا سِوَاهُ» [خرجه احمد وابن ماجه].

یک نماز در مسجد من بیشتر از هزار نماز در سایر مساجد - جز مسجدالحرام - است و یک نماز در مسجدالحرام معادل یکصد هزار نماز در سایر مساجد است.

و احادیث فراوان در این زمینه وجود دارد.

وقتی که زایر به مسجد رسید سنت است پای راست را وارد مسجد کند و بگوید «بِسْمِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَيُوجِّهُهُ الْكَرِيمِ وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ» چنانکه به هنگام وارد شدن به هر مسجدی سنت است این دعا را بخواند و دعای مخصوصی برای زیارت مسجد النبی ﷺ وجود ندارد.

ترجمه: بنام خدا، درود و سلام بر رسول خدا، به خداوند عظیم و روی گرامی [که لایق جلالش است] و

قدرت قدیم و ازلی او پناه می‌برم از شر شیطان طرد شده، پروردگارا درهای رحمت خویش را بر من بگشا. بعد دو رکعت نماز سنت می‌خواند و بعد از آنها دست دعا و راز و نیاز با خداوند به سوی آسمان بلند می‌کند و برای خیر دنیا و آخرت خویش دعا می‌کند و اگر این نماز را در حوزه‌ی روضه شریفه بخواند افضل است چون رسول خدا ﷺ فرموده است: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ».

فاصله‌ی میان خانه و منبر من باغی از باغهای بهشت است.

بعد از اتمام دو رکعت نماز به زیارت قبر رسول خدا ﷺ و دو رفیقش ابوبکر و عمر رضی الله عنهما می‌پردازد. رو به سوی قبر پیامبر ﷺ می‌ایستد و با صدای پایین می‌گوید «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» سنن ابوداود به اسناد صحیح.

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد ای رسول خدا. از ابوهریره رضی الله عنه گوید رسول خدا ﷺ گفت: «مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّىٰ أَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ» و

اگر زایر در سلامش بگوید «السلامُ علیکم یا نبیَّ اللّهِ، السلامُ علیک یا خیرةَ اللّهِ مِنْ خلقهِ، أَلسلامُ علیک یا سیدَ المرسلین، وإمامَ المتقین، أشهدُ أنّک قد بَلَّغْتَ الرِّسالةَ، وأَدَّیْتَ الأمانةَ، وَنصَحْتَ الأُمَّةَ، وَجاهَدْتَ فی اللّهِ حقَّ جهادِهِ» هیچ اشکالی ندارد.

ترجمه: احدی بر من سلام نمی‌کند مگر اینکه خداوند روح مرا به من باز می‌گرداند تا جواب سلام او را بدهم... سلام بر تو ای پیغمبر خدا، سلام بر تو ای بهترین مخلوق خدا، سلام بر تو ای پیشوای پیغمبران، و امام پرهیزکاران، گواهی می‌دهم که تو رسالت خود را ابلاغ، و امانت خود را ادا، و امت را نصیحت و در راه حق به بهترین شیوه جهاد کردی.

لازم به ذکر است که گفتن این کلمات هیچ اشکالی ندارد چون همه‌ی این اوصاف در رسول خدا ص وجود دارند، و فرد زایر با این کلمات بر رسول خدا ص درود می‌فرستد و برای او دعا می‌کند و در شریعت مقرر است که جمع میان صلاه و سلام بر او جایز است چون خداوند

می‌فرماید: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود و سلام بفرستید.

بعد بر ابوبکر و عمر سلام می‌کند و برای آنها دعا و طلب رضوان می‌نماید.

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما به هنگام سلام بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و دو رفیقش غالباً از این صیغه تجاوز نمی‌کرد. «سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای ابوبکر، سلام بر تو ای پدر» بعد برمی‌گشت. قابل توجه اینکه، زیارت قبور تنها برای مردان مشروع و جایز است، و زیارت قبرها (هیچ قبری) برای زنان جایز نیست چون در حدیث آمده است «لَعْنُ زَوَّارَاتُ الْقُبُورِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْمَتَخَذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالسُّرُجَ» نفرین خدا بر زنان زیارت کننده‌ی قبور و بر کسانی که مساجد روی آنها می‌سازند و آنها را چراغانی می‌کنند.

اما قصد مدینه، به نیت ادای نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و خواندن دعا در آنجا و امثال این امور از اعمالی که در همه‌ی مساجد جایز و مشروع است، برای مردان و

زنان مشروع و جایز است چون احادیث صحیحه در این زمینه وجود دارد چنانچه گذشت.

برای زایر سنت است نمازهای پنجگانه را در مسجد رسول الله ﷺ بخواند و با استفاده از فرصت فراهم شده ذکر و دعا و نماز سنت فراوان انجام دهد چون در این اعمال اجر فراوان وجود دارد.

سنت است که فرد زائر در روضه‌ی شریفه نماز سنت فراوان بخواند زیرا در فضل آن احادیث صحیح آمده است که ذکرش رفت از جمله «ما بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» مکان و فاصله‌ی میان منزل و منبرم باغی از باغهای بهشت است.

اما نمازهای واجب برای افراد زایر و غیر زایر حکم دیگری دارد و آن اینکه باید به سوی آن بشتابند و در حد توان سعی کنند در صف اول جای بگیرند زیرا ثواب بیشتر در هر چه زودتر به مسجد آمدن و در جای خود مستقر شدن است و ترغیب بر صف اول در احادیث صحیح آمده است مانند فرموده پیغمبر ﷺ «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ

ما فِي النِّدَاءِ وَالصَّفِّ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يَسْتَهْمُوا عَلَيْهِ
لَا سْتَهْمُوا عَلَيْهِ» لمتفق عليه.

اگر مردم می‌دانستند در اذان و قرار گرفتن در صف اول چه ثوابی وجود دارد بعد چاره‌ای جز قرعه کشی نمی‌یافتند، حتماً روی آن اقدام به قرعه کشی می‌نمودند. و خطاب به اصحاب فرمود: «تَقَدُّمُوا فَأَتَمُّوا بِي، وَلِيَأْتَمَّ بِكُمْ مِنْ بَعْدِكُمْ وَلَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَتَأَخَّرُ عَنِ الصَّلَاةِ حَتَّى يُؤَخَّرَهُ اللَّهُ» [اخرجه مسلم].

به جلو بیایید به من اقتدا کنید، و آنهاییکه بعد از شما می‌آیند به شما اقتدا کنند، و انسان هرچه بیشتر نماز را به تأخیر می‌اندازد تا اینکه خداوند نیز، او را به تأخیر خواهد انداخت.

ابوداود به سند صحیح از عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَتَأَخَّرُ عَنِ الصَّفِّ الْمَتَقَدِّمِ حَتَّى يُؤَخَّرَهُ اللَّهُ فِي النَّارِ».

مرد همواره از صف اول عقب می‌ماند تا به جای می‌رسد که خداوند او را در آتش به تأخیر خواهد انداخت (مهلت زمان طولانی در آن خواهد ماند).

و از رسول الله ﷺ به ثبوت رسیده که به اصحابش می فرمود: «أَلَا تَصِفُونَ كَمَا تُصِفُ الْمَلَائِكَةَ عِنْدَ رَبِّهَا» قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْفَ تُصِفُ الْمَلَائِكَةَ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالَ: «يَتَمُونَ الصُّفُوفَ الْأُولَى وَيَتَرَاوُونَ فِي الصَّفِّ» لرواه مسلم.

آیا همچون ملائکه که در خدمت پروردگارشان صف می بندند به صف نمی شوید. عرض شد ای رسول الله ملائکه نزد پروردگارشان چگونه به صف می شوند، فرمود: صف اول را تمام می کنند و در صف محکم به هم پیوسته می شوند.

احادیث در این زمینه فراوانند و شامل مسجد رسول ﷺ و غیر آن می شوند، از پیغمبر ﷺ به ثبوت رسیده که یاران خود را به طرف راست صفها تشویق می کرد و معلوم است که منظور از طرف راست صف در مسجد او مکانی است خارج از روضه با توجه به این معلوم است که، توجه کردن به صف اول و طرف راست صفوف مقدم بر توجه به روضه شریفه است و محافظت بر این دو مکان (جهت ادای نماز در آنها) مقدم بر محافظت بر نماز

در روضه است و این امر برای کسیکه در احادیث وارده در این زمینه تأمل ورزد بس روشن و واضح است. و توفیق تنها از سوی خدا.

هیچ احدی حق ندارد به هنگام زیارت مسجد رسول الله ﷺ حجره (محل دفن رسول الله ﷺ) را مسح کند یا ببوسد یا به طواف آن برخیزد چون چنین اعمالی از سلف نقل نشده است بلکه بدعتی است منکر.

همچنین برای هیچ احدی جایز نیست حاجتی از رسول الله ﷺ درخواست کند، یا از وی بخواهد بلای او دفع نماید، یا مریضی شفا دهد یا ... چون چنین چیزهای جز از خدا، از هیچ احدی طلب نمی شوند، و درخواست این امور از مردگان شرک بخدا تلقی، و عبادت برای غیر خدا محسوب می گردد... و این در حالی است که دین اسلام بر دو اصل بنا نهاده شده است.

۱- هیچ احدی - غیر از خدا - نباید مورد پرستش واقع گردد.

۲- عبادت خدا باید طوری ادا شود که خدا و رسول ﷺ آنرا مشروع و جایز دانسته اند.

و معنای شهادتین «أشهد أن لا إله إلا الله وأنَّ محمداً رسول الله» همین است.

همچنین برای هیچ احدی جایز نیست شفاعت را از رسول الله ﷺ طلب کند. [مثل اینکه بگوید: ای رسول الله، یا ای شیخ فلان، فلان کس یا چیز را شفیع من قرار ده] چون شفاعت ملک خدا است، و جز از او خواسته نمی شود، چنانکه خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا﴾. [الزمر: ۴۴].

بگو شفاعت با همه ی انواع و اقسامش تنها مخصوص خداوند است.

پس باید به هنگام شفاعت خواهی بگویی: «اللَّهُمَّ شَفِّعْ فِيَّ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ شَفِّعْ فِيَّ مَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ شَفِّعْ فِيَّ أَفْرَاطِي».

خداوندا پیغمبرت را در حق من شفیع قرار بده، خداوندا ملائکه های خود را در حق من شفیع قرار بده، بندگان مؤمنت را در حق من شفیع قرار بده، خداوندا ضایعات و نوزادهای از دست رفته را شفیع من قرار بده.

و اما مردگان: بهیچ وجه چیزی از ایشان درخواست نمی‌شود نه شفاعت نه غیر آن، خواه پیغمبران باشند یا غیر پیغمبران، چون این عمل مشروع نیست و عمل اموات و مردگان قطع گردیده مگر در مواردی که شرع استثنا کرده است.

و در صحیح مسلم به روایت از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ». اگر فرزند آدم از دنیا رفت عملش قطع می‌گردد مگر در سه مورد، صدقه‌ی جاریه، علمی که نفعش ادامه می‌یابد و فرزند صالح که برای او دعا می‌کند.

طلب شفاعت از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها در زمان حیات مبارک او و در روز قیامت جایز است. چون در این دو حالت بر آن قدرت دارد و می‌تواند از خداوند بخواهد خواسته‌ی او را برآورد، در دنیا معلوم است و مخصوص رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیست بلکه برای پیغمبر و غیر او عمومیت دارد، مسلمان می‌تواند به برادر مسلمان خود بگوید در مورد فلان چیز و فلان چیز نزد خداوند برایم شفاعت کن

(یعنی برایم دعا کن) و شخص می‌تواند خواسته او را از خدا بخواهد و برای برادرش شفاعت کند اما به شرطی که شیئی خواسته شده جزو مسائلی باشد که خداوند آنها را مباح کرده است.

اما در روز قیامت هیچ احدی حق شفاعت ندارد مگر به اذن خداوند چنانکه می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾. [البقره: ۲۵۵].

چه کسی (بخود جرئت می‌دهد) نزد او شفاعت کند مگر به اذن و اجازه‌ی او.

و اما حالت مرگ: مرگ یک حالت ویژه است که مقایسه‌ی آن با حال انسان قبل از مرگ، و با حالت بعد از زنده شدن جایز نیست چون در حالت مرگ عمل فرد مقطوع است و شخص در گرو اعمال خویش است، مگر در چند مورد که شارع آنها را مستثنی فرموده که بعد از مرگ نیز مرده را سود می‌رسانند و قطع نمی‌شوند، اما معلوم است که طلب شفاعت از مردگان جزو مستثنیات شارع نیست، و ملحق نمودنش به این موارد جایز نمی‌باشد. البته هیچ شکی در این نیست که رسول ﷺ

بعد از مرگ، و در حیات برزخی هم، از حیاتی برتر از حیات شهدا برخوردار است، اما این حیات از جنس حیات قبل از مرگ و بعد از زنده شدن نیست، حیاتی است که حقیقت و کیفیت آن را جز خداوند هیچ احدی نمی‌داند از این روست که در حدیث شریف آمده است: **«مَا مِنْ أَحَدٍ يُسَلِّمُ عَلَيَّ إِلَّا رَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ رُوحِي حَتَّىٰ أَرُدُّ عَلَيْهِ السَّلَامَ».**

هیچ احدی بر من سلام نمی‌کند مگر اینکه خداوند متعال روح مرا به سوی (جسم) باز می‌گرداند تا جواب سلام او را بدهم.

این حدیث بوضوح دلالت می‌کند که رسول خدا ﷺ مرده است و روحش از بدنش جدا شده، اما روحش به بدن بازگردانده می‌شود، نصوص دال بر مرگ او در قرآن و سنت معلوم و امری است متفق علیه میان اهل علم. اما این امر مانع از حیات برزخی او نمی‌شود چنانکه مرگ شهید مانع از حیات برزخی او نمی‌شود در قرآن کریم آمده است: **﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾** [آل عمران: ۱۶۹].

گمان مبر آنها را که در راه خدا گشته شده‌اند مرده‌اند، بلکه آنها زنده هستند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

بدین سبب سخن در این زمینه را بسط دادیم چون نیاز بدان فراوان است و افراد بسیاری از این باب در اشتباه واقع می‌شوند، و دعوت به شرک و عبادت مردها می‌نمایند. از خداوند متعال خواهانیم ما و جمیع مسلمانان را از هر چه مخالف شرع است محفوظ نماید. والله اعلم. اما آنچه که برخی از زائران انجام می‌دهند مانند بلند کردن صدا و طول دادن قیام در کنار قبر رسول الله ﷺ خلاف شرع است، چون خداوند متعال مسلمانان را از بانگ برآوردن، و صدا را فوق صدای رسول الله ﷺ بلند کردن منع فرموده است و به آنها دستور می‌دهد صدای خود را در حضور او پایین آورند.

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ
وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ
أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۱۱۱﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَغْضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ

عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُؤْتِيكَ الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ
لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٠﴾. [الحجرات: ۲-۳].^ج

ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدای خود را بلندتر از صدای پیغمبر در نیاورید و به تندی با وی حرف نزنید مانند حرف زدن برخی از شما با برخی، نکند اعمالتان هدر رود و شما متوجه نشوید. آنهاییکه صدای خود را نزد رسول الله ﷺ پایین می‌آورند کسانی هستند که خداوند دل‌های آنان را برای تقوا امتحان کرده است برای ایشان هست مغفرت و اجری بس بزرگ.

و اما نهی از طول دادن ایستادن در کنار روضه‌ی مطهره و تکرار سلام در کنار آن، باعث ازدحام جمعیت و کثرت سر و صدا و ارتفاع اصوات در کنار قبر او ﷺ می‌شود و این امر مخالف روشی است که خداوند برای مسلمانان در آیات گذشته بیان داشته است، زیرا او در حال مرگ و زنده بودن شایسته‌ی احترام است، لذا برای مسلمان جایز نیست در کنار قبر او عملی انجام دهد که مخالف ادب اسلامی تلقی شود.

آنچه که برخی از زائران انجام می‌دهند مانند دعا در کنار قبر و رو به آن، و دست بلند کردن بهنگام دعا، خلاف عملکرد سلف صالح، اصحاب و پیروان به نیکوی ایشان است بلکه جزو بدعت بشمار می‌رود. رسول الله ﷺ فرموده است: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ مِنْ بَعْدِي، تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِزِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بَدْعَةٌ، وَكُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ»^۱ اخرجہ ابوداود والنسائي باسناد صحيح.

بر شماست سنت من و سنت خلفای راشدین مهدیین پس از مرا پیروی کنید، با دندان بر آن گاز بگیرید و شما را از امور محدثه (بدعتها) برحذر می‌دارم زیرا هر محدثی بدعت، و هر بدعتی گمراهی است و می‌فرماید: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»^۲ لیخاری و مسلم.

هر کسی در امر ما این (دین) چیزی (بدعتی) بیافریند که از آن نیست آن چیز مردود است.

و در روایت دیگری از مسلم آمده است: «مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ» هر کس عملی انجام دهد که امر ما بر آن نباشد، آن عمل مردود است.

علی بن حسین موسوم به زین العابدین رضی الله عنه مردی را در کنار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله مشاهده کرد که مشغول دعا بود او را از این عمل بازداشت و گفت: گوش کن حدیثی را برایت بازگو کنم که آنرا از پدرم او هم از جدم. او هم از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده است رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي عِيدًا، وَلَا يُبَوِّئُكُمْ قُبُورًا، وَصَلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّ تَسْلِيمَكُمْ يُبَلِّغُنِي أَيَّمَا كُنْتُمْ». اخرجہ الحافظ محمد بن عبدالواحد المقدسی فی کتابه «الاحادیث المختاره». قبر مرا بعنوان عید (مکانی که پی یا پی به زیارت گرفته شود) مگیرید، و خانه‌های خود را به قبر تبدیل نکنید، و بر من درود و سلام بفرستید، که هر جا باشید درود شما به من خواهد رسید.

آنچه برخی از زائران به هنگام ادای سلام بر رسول الله صلی الله علیه و آله انجام می‌دهند مانند قرار دادن دست راست بر چپ روی سینه، یا زیر آن مانند حالت نماز خواندن، این هیئت بهنگام سلام بر او جایز نیست، و همچنین ادای چنین حرکاتی به هنگام سلام بر بزرگان و پادشاهان جایز نمی‌باشد، چون شکل و هیئت ذلت و خضوع و عبادت را

می‌نمایاند که جز برای خدا جایز نیست. چنانکه حافظ ابن حجر رحمته الله در «فتح الباری» به نقل از علما بر این مطلب تأکید ورزیده است، و این مطلب برای اهل تأمل و دقت واضح و روشن است، و هدف او تبعیت از هدایت سلف صالح بوده است. لیکن کسیکه تحت تأثیر تعصب و پیروی از هوا و تقلید کورکورانه، و سوءظن نسبت به دعوتگران به سوی روش سلف صالح، واقع شود. از خداوند خواهانیم او را هدایت و توفیق عنایت کند و ایثار حق بر او را برای او و خودمان خواهانیم چرا که او (سبحانه و تعالی) بهترین کسی است که باید از او درخواست شود.

همچنین آنچه برخی از انسانها انجام می‌دهند مانند ادای سلام بر سول الله صلی الله علیه و آله از دور، و تحریک لبها به هنگام سلام و دعا، همه‌ی اینها داخل بدعت و مستحذات است، و هیچ مسلمانی حق ندارد چیزی را بر دین خویش بیفزاید که خداوند بدان اجازه نداده است، و در صورت افزون آن، از جفا و خیانت نزدیکتر است تا موالات و صفا. امام مالک رحمته الله این اعمال و امثال آنرا انکار کرده و

می‌گوید «آخر این امت تنها بوسیله‌ی چیزی اصلاح می‌شود که ابتدا و اول آن بدان اصلاح شده است». و آنچه که روشن و معلوم است اینکه، سیر و حرکت بر برنامه پیغمبر و خلفای راشدین و اصحاب بزرگوار و تابعین به احسان آنان باعث اصلاح این امت گشت. هم اکنون نیز اصلاح حال امت در گرو حرکت بر این راه و تمسک به آن است.

خداوند مسلمانان را بسوی چیزی که سعادت و عزت و نجاتشان در دنیا و آخرت، در آن است هدایت و توفیق بدهد، او کریم و بخشنده است.

آگهی:

زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله واجب نیست، و یکی از شروط (صحت) حج به حساب نمی‌آید، چنانکه بعضی از افراد عوام و شبه عوام چنین پنداشته‌اند، بلکه زیارت آن برای کسیکه به زیارت مسجد النبی صلی الله علیه و آله آمده باشد یا محل سکونتش نزدیک آن باشد سنت است.

اما کسیکه در مکانی دور از مدینه سکونت دارد حق تهیه وسایل سفر بقصد زیارت قبر را ندارد. بلکه سنت است بقصد زیارت مسجد شریف وسایل سفر آماده کند، و ضمن زیارت مسجد، به زیارت قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و دو رفیقش اقدام کند، چون در صحیحین (بخاری و مسلم) آمده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده: «**لَا تُشَدُّ الرِّجَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِي هَذَا وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى**».

وسایل سفر به قصد زیارت تهیه نمی شود مگر به سوی سه مسجد، مسجد الحرام و مسجد من و مسجد الاقصی. و اگر تدارک گرفتن به قصد زیارت قبر او و سایر اشخاص جایز می بود، قطعاً امت را بسوی آن راهنما و هدایت می کرد، و فضل آن را به آنها تذکر می داد چون معلوم است که رسول الله صلی الله علیه و آله ناصحترین مردم، و عالمترین آنها به خدا بود و از همه ی آنها بیشتر از خدا می ترسید، او صلی الله علیه و آله مأموریت خود را بصورت آشکار و روشن ابلاغ کرد، و امت را به سوی همه نیکیها دعوت، و از کلیه ی بدیها برحذر داشت. چرا چنین نباشد در حالیکه

او امت را از تدارک گرفتن جهت زیارت بسوی غیر مساجد سه گانه منع کرده و فرموده است: «**لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِي عِيداً وَلَا بُيُوتَكُمْ قُبُوراً وَصَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّ صَلَاتَكُمْ تَبْلُغُنِي حَيْثُ كُنْتُمْ**».

قبر مرا به [محل برگزاری] عید نگیرید و خانه‌های خود را به قبر تبدیل نکنید و بر من درود بفرستید، درود شما به من می‌رسد در هر جا باشید.

قول به مشروع بودن تدارک گرفتن برای زیارت قبر رسول الله ﷺ منجر به، به عیدی گرفتن آن، و واقع شدن محذوری که رسول الله ﷺ ما را از آن منع کرده می‌شود. محذوری که رسول الله ﷺ از آن خوف داشته است مانند مبالغه در شأن او، و بسیاری از مردم به سبب تدارک گرفتن برای سفر به زیارت قبر او گرفتار این محذور گشته و سفر به قصد زیارت قبر او را مشروع دانسته‌اند. که در واقع ممنوع و بدعت است.

اما احادیثی که در این باب روایت و بدانها احتجاج می‌شود - که گویا تدارک سفر بقصد زیارت قبر پیغمبر ﷺ جایز است - احادیثی هستند از نظر سند ضعیف -

بلکه موضوع - اند و حافظان حدیث چون دارقطنی و بیهقی و ابن حجر و غیر اینها بر ضعف آنها تأکید ورزیده‌اند. لذا معارضه احادیث صحیحیه‌ی دال بر تحریم تدارک برای زیارت قبور بوسیله‌ی این روایتهای جعلی و ضعیف صحیح نیست.

خواننده بزرگوار: اینک به قصد اطلاع و آگاهی شما گوشه‌ای از این روایات جعلی را ذکر می‌کنیم تا آنها را بشناسی و از استدلال بدانها خودداری ورزی.

۱- (من حج ولم یزرنی فقد جفانی).

هر کسی حج کند و به زیارت من نیاید در حق من جفا کرده است.

۲- (من زارنی بعد مماتی فکانما زارنی فی حیاتی).

کسیکه مرا بعد از مرگم زیارت کند مانند این است که در حال حیات مرا زیارت کرده باشد.

۳- (من زارنی وزار اَبی اِبْرَاهِیمَ فی عام واحد ضمنت له

علی الله الجنة).

کسیکه من و پدرم ابراهیم را در یک سال زیارت کند بهشت را برای وی بر خدا تضمین خواهم کرد.

۴- (من زار قبري وجبت له شفاعتي). هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او واجب خواهد شد.

هیچ یک از این احادیث و امثال آنها از رسول الله ﷺ به ثبوت نرسیده‌اند.

حافظ ابن حجر در کتاب (التلخیص) بعد از ذکر اکثر این روایات گوید: راههای ورود همه‌ی این احادیث ضعیف است.

حافظ عقیلی گوید: در این باب حدیث صحیحی وجود ندارد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رَحِمَهُ اللهُ بِه قاطعیت گفته است همه‌ی این احادیث موضوع هستند، و معلوم است که او از نظر وسعت علم و اطلاع و حافظ بودن از چه جایگاهی برخوردار بوده و در چه مکانی قرار داشته است.

و اگر یکی از این احادیث به ثبوت می‌رسید قطعاً اصحاب بزرگوار در عمل بدان بر ما پیشی می‌گرفتند و آنرا برای امت توضیح و تبیین می‌نمودند و به سوی آن دعوت می‌کردند زیرا آنها بعد از پیغمبران بهترین انسانها و

عالمترین آنها به حدود خدا و شرع او بوده، و ناصحترین آنها برای مخلوقات خدا بوده‌اند. با این وصف از هیچ یک از آنها چنین عملی نقل نشده است و این دلیل بر غیر مشروع بودن آن است و اگر فرضاً یکی از آنها از نظر صحت به ثبوت می‌رسید حمل بر زیارت مشروع - که تدارک در آن وجود ندارد - می‌شد تا میان احادیث وارده جمع و توفیق بوجود آید. و سبحانه و تعالی أعلم.

فصلی: در استحباب زیارت مسجد قبا و بقیع

برای کسیکه به زیارت مدینه می‌رود سنت است به زیارت مسجد قبا برود و در آن نماز بخواند چون در صحیحین بنقل از ابن عمر رضی الله عنهما آمده است گوید: «كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَزُورُ مَسْجِدَ قُبَاءَ رَاكِبًا وَمَاشِيًا وَيُصَلِّي فِيهِ رَكْعَتَيْنِ».

رسول الله ﷺ مسجد قبا را سوار و پیاده زیارت می‌کرد و در آن نماز می‌خواند.

از سهل بن حنیف رضی الله عنه گوید: رسول الله ﷺ فرموده: «مَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ أَتَى مَسْجِدَ قُبَاءَ فَصَلَّى فِيهِ صَلَاةً كَانَ لَهُ كَأَجْرِ عُمْرَةٍ».

کسیکه در خانه‌ی خویش وضو بگیرد بعد به مسجد قبا بیاید و در آن نمازی بخواند اجری مانند اجر یک عمره برایش خواهد بود.

برای زیارت کننده سنت است که به زیارت قبرهای بقیع و قبور شهدا و قبر حمزه رضی الله عنه برود، چون پیغمبر ﷺ به زیارت آنها می‌رفت و برای آنها دعا می‌کرد رسول الله

می فرماید: **«زُورُوا الْقُبُورَ فَإِنَّهَا تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ»** صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم
اخراجہ مسلم.

به زیارت قبرها بروید زیرا زیارت آنها قیامت را به یاد شما می آورد.

رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم اصحاب بزرگوار را تعلیم می داد که به هنگام زیارت قبور بگویند.

**«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا
 إِن شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ»**
 اخراجہ مسلم من حدیث سلیمان بن بریدہ عن ابیہ.

سلام بر شما اهل مملکت و دیار، از ایمان داران و مسلمانان، و ما ان شاء الله به شما پیوست خواهیم شد عافیت را برای خودمان و شما از خداوند خواهانیم.

ترمذی از ابن عباس رضی اللہ عنہما نقل می کند که رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم از کنار گورستان مدینه عبور کرد رو به آنها ایستاد و گفت
**«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ أَنْتُمْ سَلَفُنَا
 وَنَحْنُ بِالْآخِرِ».**

«سلام بر شما ای اهل گورستان خداوند ما و شما را ببخشد، شما پیشینیان ما، و ما به دنبال شما».

از این احادیث معلوم است که زیارت شرعی قبور آن است که به قصد یادآوری قیامت و احسان به مردگان رساندن، و دعا برای آنها و ترحم بر آنها باشد. زیارت قبرها بقصد دعا نزد آنها (یا از آنها) و زانو زدن در مقابل آنان و خواستن نیازها و شفای امراض از آنان و جاه و مقام آنها را واسطه قرار دادن و ... بدعت، و از منکرات، و خدا و پیغمبر آنرا جایز ندانسته و سلف صالح انجامش نداده‌اند. بلکه این نوع زیارت جزو هجری است که رسول الله ﷺ از آن نهی فرموده است. آنجا که گوید: «زُورُوا الْقُبُورَ، وَلَا تَقُولُوا هَجْرًا». به زیارت قبرها بروید ولی از سخنان زننده خودداری ورزید.

همه‌ی این امور در بدعت بودن مجتمع هستند اما با هم مساوی نیستند بعضی بدعت‌اند ولی شرک نیستند، مانند دعا و نیایش از خداوند در کنار قبرها، و طلب امور از خدا بحق مردگان و جاه آنها و امثال اینها. و برخی از آنها هم علاوه بر بدعت شرک اکبر تلقی می‌شوند مانند دعا از مردگان و استعانه از ایشان و امثال این امور.

بیان این امور بصورت مفصل قبلاً توضیح داده شد، پس آگاه باش و بر حذر باش (ای برادر مسلمان) و از پروردگارت توفیق هدایت بسوی حق بخواه، چون تنها او هدایت کننده و توفیق دهنده است، و هیچ خدایی جز او، و پروردگاری سوای او وجود ندارد.

این مطلبی بود که خواستیم آن را املا کنیم.
الحمد لله أولاً و آخراً.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله وخیرته من خلقه محمد وعلی آله و أصحابه، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

برای ارتباط با مترجم می‌توانید به آدرس زیر تماس بگیرید:

السعودیة: الرياض - الرمزا البریدی: (۱۱۷۵۷) ص. پ: (۱۵۰۱۰۳)

P.O.BOX (۱۵۰۱۰۳)

www.aqeedeh.com